

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۳/۱۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۸

فصل نامه علمی - ترویجی پژوهش‌های مهدوی

سال هفتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۹۷

## وارثان زمین در پایان تاریخ از منظر تورات، زبور، انجیل و قرآن با تکیه بر اشتراکات

زهرا قاسم‌نژاد<sup>۱</sup>

جمیله انصاری‌پور<sup>۲</sup>

### چکیده

غلبه و سلطه صالحان یا به عبارتی حکومت صالحان و شایستگان در پایان تاریخ وعده همه ادیان الهی است. قرآن کریم نه تنها صالحان را وارثان زمین می‌داند؛ بلکه وراثت ایشان را اندیشه‌ای تاریخی می‌داند که در طول تاریخ، انبیاء الهی به آن بشارت داده‌اند. با توجه به این مسئله که وراثت زمین توسط صالحان در پایان تاریخ اندیشه‌ای مشترک بین همه ادیان الهی است، وارثان زمین از منظر قرآن، زبور و عهد عتیق و جدید به روش توصیفی - تحلیلی و تطبیقی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد تا پایان خوش تاریخ و استقرار حکومت صالحان در زمین از منظر همه ادیان اثبات شود که این موضوع خود می‌تواند زمینه تبلیغ موعودگرایی و مهدویت را فراهم و آن را اندیشه‌ای فراتاریخی و دینی نشان دهد؛ در عین حال که بیان مشترکات بین ادیان، بستر لازم برای نزدیکی هرچه بیشتر ادیان به یکدیگر را موجب می‌شود. یافته‌های حاصل از پژوهش نشان می‌دهد وارثان زمین از منظر قرآن و

۱. استادیار دانشگاه شیراز، دانشکده الهیات و معارف اسلامی بخش علوم قرآن و فقه (نویسنده مسئول)  
(z\_ghasemi62@yahoo.com)

۲. کارشناس ارشد تفسیر ائری دانشگاه اصفهان.

زبور، انسان‌های شایسته‌ای هستند که از سوی خداوند برای این امر برگزیده شده‌اند. در اناجیل، وارثان زمین وارد شوندگان به ملکوت و در تورات، قوم برگزیده می‌باشند. نقطه مشترک همه این ادیان الهی استقرار صالحان و شایستگان در پایان جهان به عنوان وارثان زمین است.

واژگان کلیدی:

قرآن، انجیل، تورات، زبور، صالحان، وارثان زمین، پایان تاریخ.

### مقدمه

وراثت زمین در پایان تاریخ و استقرار حکومت صالحان اندیشه‌ای است که قرآن آن را منحصر به خود نمی‌داند؛ بلکه آن را از بشارات و آیات زبور حضرت داوود می‌داند. کمتر اندیشه‌ای را می‌توان یافت که مانند موعودگرایی در بین ادیان‌های مختلف تا به این حد مشترک باشد. آموزه‌ها و گزاره‌های بسیاری در ادیان الهی هست که با آینده بشریت ارتباط تنگاتنگ دارد. زیبایی این اندیشه در عین اشتراک بین ادیان، پایان روشن و خوشی است که برای جهان به تصویر می‌کشد و همگان را با وجود همه سختی‌ها، ظلم‌ها و بی‌عدالتی‌ها امیدوار می‌نماید. نگاه روشن به آینده، اندیشه و فکر نابی است که امید به اصلاح را در آدمی تقویت و زمینه تلاش برای ایجاد این آینده را در انسان بیدار می‌نماید.

بنابراین مسئله اساسی و محور پژوهش حاضر بر سر پرسشی است که مقتضای حب ذات و طبیعت جست و جو گر بشر و برخاسته از روح بی‌قرار اوست که همواره سر در پی راز هستی دارد. ادیان آسمانی هر کدام به نوعی به این دغدغه بشر پاسخ داده و بخشی از آموزه‌های خود را به وارثان زمین در پایان تاریخ اختصاص داده‌اند و آن‌چه نقطه مشترک است زیبایی و خوبی پایان تاریخ است.

البته این پایان زیبا و خوش را باید مدیون وارثانی دانست که قرآن با نام صالحان از آن‌ها یاد می‌نماید و تأکید می‌نماید نام اینان در کتب آسمانی قبل مانند زبور نیز آمده است. قطعاً مسأله‌ای وجود دارد که قرآن مستقیم نمی‌فرماید پایان جهان، زمین از آن صالحان خواهد بود؛ بلکه استناد می‌نماید به زبور حضرت داوود و می‌فرماید ما در زبور هم بیان کردیم پایان جهان، زمین را شایستگان به ارث می‌برند. با توجه به بیان قرآن کریم ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵) موضوع وارثان زمین در پایان تاریخ با توجه به سیر تاریخی در کتب مقدس، عهد عتیق، زبور، عهد جدید و قرآن بررسی و مورد

مطالعه تطبیقی قرار می‌گیرد تا با استناد به قرآن، زبور و عهدین و همچنین با مراجعه به منابع و کتب دینی که در این زمینه وجود داشته، بالأخص تفاسیر مربوط به آن کتب، مبانی مشترک و مورد اختلاف در موضوع وارثان زمین بررسی گردد.

قابل ذکر است از آن جهت که هدف پژوهش بیان وارثان زمین در پایان تاریخ از منظر هر یک از ادیان‌های فوق است تنها به متون مقدس قرآن، زبور، عهد عتیق و جدید تکیه شده تا از هرگونه پیش‌داوری یا تفسیر براساس آموزه‌های اسلامی خودداری شده و اندیشه‌های مفسران بر حقیقت سایه نیفکند.

### روش تحقیق

در پژوهش حاضر جهت انجام قسمت‌های مختلف تحقیق و در عین حال در راستای نیل به هدف مورد نظر از روش توصیف و تحلیل استفاده شده و با یک رویکرد درون دینی، آیاتی که در هر یک از ادیان به وارثان زمین اشاره دارد، توصیف شده و آن‌گاه محتوای این آموزه‌ها مورد تحلیل قرار گرفته است. از آن‌جا که بحث حاضر سعی دارد بر مشترکات دست یابد؛ وارثان زمین در هر دین را پس از تحلیل محتوا مورد بررسی تطبیقی قرار داده است. این تطبیق زمینه کاربردی موضوع را فراهم نموده و کارکرد این موضوع در جهان امروز را نیز تبیین نموده است.

### پیشینه پژوهش

مطالعه تحقیقات و پژوهش‌ها در حوزه ادیان نشان می‌دهد در زمینه پایان تاریخ و فرجام آن، مهدویت و موعودگرایی در ادیان‌های مختلف به ویژه اسلام و مسیحیت کتب و مقالات متعددی به رشته تحریر در آمده است. مانند: «منجی موعود در ادیان بزرگ قبل از اسلام» از مهین عرب، «بررسی وضعیت عمومی مردم و جامعه جهانی در روایات آخرالزمان» از محمد مهدی حائری پور، «پایان تاریخ از نگاه قرآن در آیات ۱۰۵-۱۰۶ سوره انبیاء»، «مهدویت در قرآن (تأملی بر آیه ۱۰۵ سوره انبیاء)» از سید مسعود پورسید آقایی و ...

اما در هیچ یک از این پژوهش‌ها موضوع وارثان زمین به عنوان یک اشتراک در ادیان مختلف که قرآن از آن پرده برمی‌دارد بررسی تطبیقی نشده به ویژه که پژوهش حاضر تکیه بر اشتراکات و افتراقات دارد.

### وارثان زمین در تورات

در آثار دینی یهود یعنی اسفار تورات و دیگر کتاب‌های انبیای آنان همواره به موعود اشاره

شده است. به اعتقاد یهودیان، ماشیح کسی که به وسیله خداوند برای نقش حیاتی در جریانات و حوادث آخرازمان انتخاب شده است، یهودیان را به سرزمین موعودشان باز می‌گرداند و دوران طلایی را آغاز می‌نماید. این انتظارات در قسمت‌های مختلف عهد عتیق به چشم می‌خورد. در کتاب دانیال نبی آمده است:

امیر عظیمی که برای پسران قوم تو ایستاده (قائم) است، خواهد برخاست. و چنان زمان تنگی خواهد شد که از حینی که امتی به وجود آمده است تا امروز نبوده، و در آن زمان هریک از قوم تو، که در دفتر مکتوب یافت شود رستگار خواهد شد. و بسیاری از آنان که در خاک زمین خوابیده‌اند بیدار خواهند شد، اما اینان به جهت حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی. و حکیمان مثل روشنائی افلاک خواهند درخشید، و آنانی که بسیاری را به راه عدالت رهبری می‌نمایند مانند ستارگان خواهند بود تا ابدالآباد. اما تو ای دانیال! کلام را مخفی دار و کتاب را تا زمان آخر مهر کن. بسیاری به سرعت تردد خواهند نمود و علم افزوده خواهد گردید خوشا به حال آن که انتظار کشد (کتاب دانیال نبی، باب دوازدهم، بند ۱-۱۲).

مطالعه تورات نشان می‌دهد در تورات مسئله وارثان زمین با قوم برگزیده گره خورده است. به عبارتی قوم برگزیده وارثان زمین خواهند بود. در ارمیا آمده است:

خداوند بر تمام امم فرمانروایی می‌کند (۱۰: ۷ و ۱۰)، اما در میان این امت‌ها، امتی که یهوه آن را به عنوان منطقه ویژه خود انتخاب کرده است، منطقه اسرائیل است که یهوه به موجب آن پیمان، سرزمین احبار و امت مقدس را به خاطرش ساخت (خروج، ۱۹: ۶). بنابراین یهوه به نوعی ویژه در اسرائیل، ظهور می‌کند، و پادشاهی بزرگ را در میان خاصان خود در اورشلیم برپا می‌نماید (مزامیر، ۴۸: ۳ و ارمیا، ۸: ۱۹)، و به آنها برکت می‌دهد و امورشان را تدبیر می‌کند (مزامیر، ۵: ۸۰).

آنان در وعده‌های شان جایی برای حاکم آینده یعنی مسیح بن داود قرار می‌دهند. مسئله پادشاهی یهوه در نزد آنان اهمیت بسیاری دارد، به ویژه از زمان پایان اسارت، یهوه بیشترین شباهت را به چوپان دارد که تنها خود او به گله‌اش توجه و اهتمام می‌ورزد تا آنان را گرد آورده و به سرزمین خود برگرداند (میکا، ۲: ۱۳، حزقیال، ۳۴: ۱۱ و اشعیا، ۴۰: ۹-۱۱).

و نهایتاً در زمان رنج و مشقت انطیوکس ایفانوس، در سده دوم پیش از میلاد بود که ظهور نجات بخش قوم خدا در اذهان و افکار یهود توسعه یافت (رضایی، ۱۳۸۰: ۵۲۶). و دانیال نبی به دنبال رنج‌های پیاپی قوم یهود، پایان زجرها را نوید داد: «مانا ملکوت مطلق خداوند بر ویرانه‌های قدرت بشری بالا خواهد رفت» (دانیال، ۲: ۴۴). عهد قدیم

وعده داده که فرزند انسان بر ابرهای آسمان می‌آید و پس از آن ملکوت و پادشاهی تا ابد به فرزند انسان و به ملتی مقدس و بلند مرتبه داده می‌شود (دانیال، ۷: ۱۴ و ۴۷).  
 یهود انتظار داشتند که تورات جدیدی در عهد مسیح «نبی منتظر» نازل شود، که شواهدی از این انتظار در کتابهایشان چه عهد قدیم یا اسفار الرؤیه و یا مخطوطاتی که مخطوطات دمشقیه نامیده می‌شود، دیده می‌شود. برخی در موضوع انتظار شک داشته تا مخطوطات البحر المیت این موضوع را قطعیت بخشید. این مخطوطات آشکار کرد که یهودیان، منتظر نزول مقدماتی جدید بودند (برتلموس، بی تا: ج ۱، ۵۴).

بنابراین عجیب نیست که ملت یهود بعد از گذشت قرن‌ها از تدارک و آماده‌سازی، از اکنون به بعد در انتظار حکومت زندگی کنند. شاید بایسته این باشد که انتظار آنان را از گونه اندیشه موعود نجات بخش، جمعی قوم مدار و رو به آینده‌ای فرض کنیم که بیشتر دغدغه بازگردانی سروری و رونق دنیای مردمانش را دارد و کمتر به نجات و رستگاری معنوی، به ویژه از سنخ عرفانیش می‌اندیشد (موحدیان عطار، ۱۳۸۰: ۶۷).

خلاصه کلام این که در تورات و سایر منابع یهود، وارثان زمین قوم برگزیده هستند که همان یهودیان یا بنی اسرائیل هستند. آیین یهود با طرح اندیشه منجی و موعود، یهودیان را به سمت شریعت سوق داده و توجه آنان را به دین یهود معطوف کرده است. در واقع، باور به ماشیح موجب شده تا یهودیان بیش از پیش به شریعت موسوی توجه کنند و بعد از عمل به فرامین و دستورات دینی، به ماشیح باور داشته باشند. در کلامی مختصر؛ باورداشت ماشیح موجب شد یهودیان رهیافت نجات را بعد از شریعت‌گرایی معنی کنند. هرچند آیین یهود، یهودی بودن را موهبتی الهی دانسته و یهودیان را ذاتاً برگزیده می‌داند. این تمام امر نیست؛ بلکه فرد یهودی باید ضمن ایمان به یهوه، به شریعت و دستورات الهی که به واسطه حضرت موسی و انبیای بعد به آنها رسیده است؛ مطیع و عامل باشد. در این بین موعودباوری یهودی در کنار آموزه‌های دیگر، همواره اهرمی برای عمل به شریعت و یهوه‌مداری و پایبندی یهودیان به شریعت موسوی بوده و می‌توان مدعی شد که بین یهوه‌پرستی با موعودباوری رابطه متقابلی وجود دارد. دانشمندان یهود، در تلمود، بر ایمان به خدا و اطاعت از پروردگار به عنوان ابزار رستگاری تأکید کرده‌اند (سلیمانی اردستانی، ۱۳۸۶: ۸۸). و ایمان، عمل صالح و اطاعت از خدا را در یک اصل جمع کرده‌اند و آن این است که شخص عادل و نیکوکار به خاطر ایمان خود زنده خواهد شد (حقوق، ۲: ۳-۴). باور آنها همواره این بوده که نجات و موعودباوری، بدون عمل به شریعت موسوی معنی ندارد؛ حتی در آموزه‌های یهود، موعود باوری فرع بر

شریعت‌گرایی است و تعهد نسبت به دین، می‌تواند تاریخ باشکوه یهودی را احیا کرده و امید به آمدن ماشیح را زنده کند (Cohn-Sherbok, 1996: 65).

### وارثان زمین در زبور داود

با توجه به قرآن کریم که صراحتاً بیان می‌دارد در زبور حضرت داوود مطرح شده است حکومت جهان در نهایت به دست صالحان خواهد افتاد و آنان وارثان زمین خواهند شد: «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء: ۱۰۵)؛ بررسی نهایت جهان و وارثان زمین در این کتاب موجه به نظر می‌رسد. بررسی منابع و متون مقدس نشان می‌دهد سخنان حضرت داوود در کتابی از بخش عهد عتیق به نام مزامیر آمده است. مزامیر مجموعه‌ای از سرودهای مقدس است که به افراد متعددی منتسب است. این مجموعه شامل ۱۵۰ مزمور است که در پنج کتاب تنظیم شده است. به باور اندیشمندان تنها بخشی از این مزامیر منسوب به حضرت داود است که در تعداد دقیق آن اختلاف نظر است. با توجه به آراء و نظرات متعددی که بیان شده است بین ۶۶ تا ۸۰ مزمور را به داود نسبت داده‌اند یکی از دلایل نسبت برخی از این مزامیر به داود عنوان مزامیر است که ۷۳ مزمور با عنوان لیداوید بیان شده است.

آن‌چه در بررسی مسئله وارثان زمین در زبور مهم است این موضوع می‌باشد که قرآن اعطای زبور به حضرت داود را تأیید «وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا» (نساء: ۱۶۳). و به بخشی از محتوای زبور که همان اعطای حکومت به صالحان است، اشاره می‌نماید. بررسی مزامیری که از نگاه اندیشمندان به حضرت داوود منسوب است آیه شریفه را تأیید می‌نماید با این تفاوت که در مزامیر واژه «صالحان» استعمال نشده و به جای آن واژه «صدیق» به کار رفته است.

واژه «صدیق» در مزامیر منسوب به حضرت داوود در حدود پنجاه مرتبه استعمال شده است که دارای بار معنای مثبتی است که نه تنها در وصف انسان؛ بلکه در وصف خداوند هم به کار می‌رود.

در ۱۳ آیه از آیات مزامیر داوود، وصف صدیق برای خداوند به کار رفته است. تحلیل محتوای این آیات و روابط جانشینی و همنشینی که بین واژه «صدیق» با سایر واژگان در این آیات است، نشان می‌دهد صدیق می‌تواند در وصف خداوند به معنای عادل باشد. در آیات ششم و هفتم مزمور یازدهم، وصف عدالت خداوند به مثابه دلیلی برای مجازات شریران

شمرده شده است:

بر شیر، دام‌ها، آتش و کبریت خواهد بارانید و باد سموم حصه پیماله ایشان خواهد بود، زیرا خداوند عال است و عدالت را دوست می‌دارد (۷:۱۱؛ ۶:۱۱).

در آیاتی دیگر وصف صدیق با مفاهیمی مانند انصاف، داوری و محاکمه همراه شده است (۴:۹؛ ۲:۱۴۳) که این همنشینی می‌تواند دلیل بر نزدیکی واژه صدیق به عدالت باشد. در بیشتر مواضع مزامیر واژه «صدیق» و «صدیقیم» در وصف یک انسان یا گروهی از انسان‌ها استعمال شده است. در مزامیر داوود هر انسانی به صدیق وصف نمی‌شود؛ بلکه از نگاه آیات، تنها انسان‌هایی متصف به این صفت الهی می‌گردند که در ارتباط با خداوند متعال، شریعت خدا در دل‌های‌شان ریشه دوانیده باشد (۳۷:۳۱). قدم‌های‌شان در مسیر حق نلرزد (۳۷:۳۱). منتظر خداوند باشند (۳۷:۳۴). طریق خداوند را نگاه دارند (۳۷:۳۴). نام خداوند را حمد کنند (۱۴۰:۱۳). بر خداوند توکل کنند (۳۷:۴۰؛ ۶۴:۱۰)، از انتقام خداوند شادمان شوند (۱۰:۵۸). گرداگرد رسول خدا جمع شوند (۷:۱۴۲). مورد امتحان خداوند قرار گیرند (۱۱:۵). این دسته از انسان‌ها در ارتباط با خود پاک دست (۲۴:۱). صاف دل (۲۴:۱). جان خود را به بطالت نمی‌دهند (۲۴:۱). بیان‌کننده حکمت و انصاف‌اند (۳۷:۳۰). و بر اساس نوع رابطه‌ای که با خدای خود و خود دارند، در ارتباط با دیگر انسان‌ها بخشنده و رحیم (۳۷:۲۱). قرض دهنده (۳۷:۲۶) و رؤف (۳۷:۲۶) هستند. قسم دروغ نمی‌خورند (۲۴:۱). زدن‌شان لطف و تأدیب است (۱۴۱:۵).

حال انسانی که صدیق نامیده می‌شود دارای مزایا و ثواب‌هایی است که در بخش‌هایی از مزامیر داوود به آن‌ها اشاره شده است. این‌گونه انسان‌ها را خداوند برای خود انتخاب کرده است (۴:۳). و آنها را تأیید (۳۷:۱۷) و برکت می‌دهد (۱۲:۵؛ ۵:۲۴). خداوند آنها را محافظت می‌کند (۲۰:۳۴؛ ۳۹:۳۷) و از دشواری‌هایی می‌بخشد (۱۹:۳۴؛ ۱۷:۳۴؛ ۲۲:۵۵). خداوند آنها را یاری کرده و رها نمی‌کند (۳۷:۴۰؛ ۳۳:۳۷) و از دست شریکان رهایی می‌بخشد (۴۰:۳۷). این انسان‌ها را خداوند اجابت می‌کند (۱۵:۳۴؛ ۱۷:۳۴). و دشمنان آنها را مؤاخذه می‌کند (۲۱:۳۴).

از نگاه زبور انسان‌های صدیق به حکم صدیق بودن‌شان هیچ‌گاه محکوم نمی‌شوند (۳۳:۳۷). متروک نمی‌شوند (۲۵:۳۷). نسل آن‌ها گدای نان نمی‌شوند (۲۵:۳۷). ذریه‌شان مبارک می‌شود (۲۶:۳۷). ثمره خواهند داشت (۱۱:۵۸). اهل نجات‌اند (۳۹:۳۷؛ ۴۰:۳۷)؛ در

خداوند شادی و وجد می‌کنند (۱۱:۳۲). وارث زمین و تا ابد در آن ساکن می‌شوند (۲۹:۳۷). نعمت اندک‌شان از اندوخته‌های بسیار شریب‌تر خواهد بود (۱۶:۳۷). دعای حضرت داوود همراه آنان خواهد بود (۵:۱۴۱). در مکان قدس خداوند ساکن می‌شوند (۲۴:۳).

در مزامیری که منسوب به حضرت داوود است وصف «صدیق» برای انسان‌ها دقیقاً نقطه مقابل وصف «رشع» است. «رشع» و «رشعیم» سی و هفت مرتبه در مزامیر وصف انسان قرار گرفته است. انسان‌های رشع در امر الهی تفکر نمی‌کنند (۵:۲۸). از خدا نمی‌ترسند (۱:۳۶؛ ۵۵:۱۹). معصیت‌کارند (۳۶:۲۰۱). سخن مکرآمیز درباره خدا می‌گویند (۲۰:۱۳۹). این عده وجودشان پر از خباثت است (۸:۱۲). خویشتن را تملق می‌گویند تا گناهشان ظاهر نشود (۳۶:۲). به فکر شرارت‌اند (۳۶:۴). از دانشمندی و نیکوکاری دست برداشته‌اند (۳۶:۳). در راه نادرست‌اند (۳۶:۴). از رحم منحرف‌اند (۵۸:۳). از شکم مادر دروغگو و گمراه‌اند (۵۸:۳). گوش خود را بر حقیقت می‌بندند (۵۸:۴).

اینان به حکم خباثتی که دارند، دشمن رسول خدا هستند (۳:۷). رسول خدا را خراب می‌کنند (۱۷:۹). تدبیر می‌کنند تا پای رسول خدا را بلغزانند (۱۴۰:۴). قصد آزار راست‌دلان و قتل صالح را دارند (۱۱:۲؛ ۳۷:۳۲). علیه صالحان توطئه می‌کنند (۳۷:۱۴)؛ آماده به کشتار راست‌دلان‌اند (۳۷:۱۴). با همسایگان خود با نفاق رفتار می‌کنند (۲۸:۳). سخنان‌شان شرارت و حيله است (۳۶:۳). آماده انداختن مسکین و فقیرند (۳۷:۱۴). قرض می‌گیرند و وفا نمی‌کنند (۳۷:۱۱). عهد شکن‌اند (۵۵:۲۰). سخنان‌شان نرم؛ اما دلشان جنگ است (۵۵:۲۱).

به سبب ویژگی‌هایی که دارند از آنها انتقام گرفته می‌شود و توسط خدا و رسول او کشته می‌شوند (۱۰۱:۸؛ ۱۳۹:۱۹). منفور خداوند می‌شوند (۱۱:۵)؛ به جهنم می‌روند و عذاب می‌شوند (۹:۱۷؛ ۱۱:۶). خداوند بر آنها می‌خندد (۳۷:۱۳). هلاک و نیست و منقطع خواهند شد و از بین خواهند رفت (۹:۵؛ ۳۴:۲۱؛ ۳۷:۲۰؛ ۶۸:۲؛ ۱۴۵:۲۰؛ ۳۷:۳۶؛ ۵۸:۷؛ ۳۷:۱۰). خجل می‌شوند (۳۱:۱۷). بازوهای‌شان شکسته خواهد شد (۳۷:۱۷). به دام‌های خود می‌افتند شمشیرهای‌شان در دل خود ایشان فرو خواهد رفت (۳۷:۱۵). آرزوهای‌شان برآورده نمی‌شود و تدابیرشان به انجام نمی‌رسد (۱۴۰:۸). غم‌های بزرگ دارند (۳۲:۱۰). نعمت بسیار به کارشان نمی‌آید (۳۷:۱۶). رسول خدا نزد ایشان دهانش را نگاه می‌دارد و با ایشان هم‌نشین نخواهد شد (۳۹:۱؛ ۲۶:۵). نسل‌شان منقطع می‌شود (۳۷:۲۸).



با توجه به عباراتی که از زبور بیان شد روشن می‌شود که انسان‌ها در زبور در دو دسته «صدیق» و «رشع» قرار می‌گیرند و وارثان حقیقی زمین انسان‌های صدیق هستند:

صدیقم بیرشوآرص ویشکنولعد علیها (مزامیر ۳۷: ۲۹):

صالحان وارثان زمین خواهند بود و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود.

و در برابر انسان‌های رشع «شریر» توسط خدا و رسولش از میان رفته و نیست و نابود می‌گردند:

هلاک و نیست و منقطع خواهند شد و از بین خواهند رفت (۹: ۵؛ ۳۴: ۲۱؛ ۳۷: ۲۰؛ ۶۸:

۲؛ ۱۴۵: ۲۰؛ ۳۷: ۳۶؛ ۵۸: ۷؛ ۳۷: ۱۰).

بنابراین از نگاه زبور در پایان جهان انسان‌های خبیث و شرور توسط صالحان از میان خواهند رفت و جهان به دست انسان‌های صدیق خواهد افتاد.

### وارثان زمین در عهد جدید

بشارت به آخرالزمان و برقراری حکومت عدل و داد از نویدهایی است که عهد جدید نیز از آن تهی نیست؛ اما این که وارثان زمین از نگاه عهد جدید چه کسانی هستند تنها در سایه فهم ملکوت الهی میسر است. عهد جدید وارثان زمین را کسانی می‌داند که بتوانند وارد ملکوت الهی شده، با اراده و نقش فعالی که ایفا می‌نمایند و ملکوت را به کمال رسانند که کمال ملکوت در واقع همان خلافت و وراثت نیکان بر زمین است.

اندیشه ملکوت خدا یا ملکوت آسمان‌ها، نقطه ثقل اصول عقاید عیسی است که در اناجیل مورد قبول کلیسا مندرج است. از آن جا که رستگاری و نجات تنها در ملکوت خدا محقق می‌شود، بشارت به وقوع ملکوت مهمترین اصل تعالیم عیسی و مرکز رسالت او قرار گرفته است. کلمه ملکوت از واژگان پربسامد کتاب مقدس است که در انجیل متی ۳۸ مرتبه و در انجیل مرقس ۱۵ مرتبه و در انجیل لوقا ۳۳ مرتبه تکرار شده است (جمعی از علماء، بی‌تا: ماده ملکوت). این واژه در اناجیل به دو معنای کاملاً متفاوت آمده است. معنا و مفهوم ملکوت مسیح، گاه متعلق به عالم غیب است و گاه درون همین جهان شکل خواهد گرفت. به عبارتی در یک تفسیر باید وقوع ملکوت خدا در آینده را واقعه‌ای به معنای معاد دانست. بنابراین یکی از معانی ملکوت در اناجیل معاد و زندگی اخروی است. زمان آغاز معاد کاملاً نامعلوم است و هیچ‌کس جز خداوند از آن باخبر نیست. حادثه‌ای است که علم آن تنها مختص خداوند متعال

است (مرقس، ۱۳: ۳۲-۳۶). این وجه از معنا در پژوهش حاضر مراد نیست؛ بلکه در این جا مراد از ملکوت، ملکوتی است که درون همین دنیا در آخرالزمان شکل می‌گیرد؛ زیرا در این ملکوت است که شایستگان و صلحا به خلافت و فرمانروایی می‌رسند.

در بیان ملکوت، حضرت عیسی اولین چیزی که از مردم می‌خواهد این است که از گناهان گذشته توبه و به سوی خدا بازگردند.

از گناهان خود توبه کنید و نزد خدا بازگشت کنید؛ زیرا ملکوت خدا نزدیک شده است (متی، ۴: ۱۷).

پس اولین وظیفه‌ای که آموزه ملکوت برای مردم تعیین می‌کند این است که از گناه دست بردارند. ملکوتی که عیسی پیروانش را به آن دعوت می‌کند گرچه در سیاق و بافت‌های گوناگونی مطرح شده، اما در هیچ یک از آن معانی، انسان گناهکار جایی ندارد. اناجیل، ملکوت خدا یا ملکوت آسمان‌ها را امری روحانی می‌دانند. عیسی نیز بر روحانی بودن ملکوت تأکید بسیار دارد؛ لذا از مردم می‌خواهد که متحول شوند، زیرا با تحول انسان‌ها این مرحله به وجود می‌آید (ا. هیوم، ۱۳۸۵: ۳۸۸). عیسی می‌فرماید:

ساعت مقرر فرا رسیده است. ملکوت خدا نزدیک است. متحول شوید و به این بشارت ایمان آورید (مرقس، ۱: ۱۴).

در این گفته دو نکته بسیار اساسی نهفته است: اولاً که انجیل یا همان مژده اصلی و بنیادی عیسی که مسیحیت بر آن بنا شده است، ظهور ملکوت خدا یا ملکوت آسمان‌هاست. ثانیاً برای شرکت در ملکوت می‌بایست متحول شد (آشتیانی، ۱۳۶۸: ۲۹۳).

به هر حال ملکوت به گفته اناجیل نه تنها روحانی است؛ بلکه يك حقیقت پنهان می‌باشد و فقط مسیح است که توانسته، آن را آشکار نماید و فقط متواضعان و کسانی که همچون کودکان ساده دل بودند، آن را می‌فهمیدند (متی، ۱۱: ۲۵). و حکما و دانشمندان دین و فلاسفه که درباره مسائل به بحث می‌پردازند چه بسا آن را نمی‌فهمند (مرقس ۴: ۱۱، اول قرن‌تینان ۱: ۲۰). از سویی ملکوت خدا در اندیشه و تعالیم عیسی از دو بعد حال و آینده برخوردار است. از یک سو عیسی بر این باور بود که ملکوت خدا از طریق شخص او و خدماتش آغاز شده است. معجزات مسیح دلالت بر قیام ملکوت در وجود او می‌کند (پرچم، ۱۳۸۹: شماره اول، ۳۴)، ملکوت از بزرگ‌ترین معجزات مسیح است (لوقا ۱۱: ۳۲-۲۹)، که در وجود مسیح آشکار شده و وظیفه يك شخص مسیحی است که بدان ایمان آورد و هدایت شود (مرقس ۱: ۱۵). و از سوی

دیگر عیسی، در انتظار به اوج رسیدن و تحقق کامل این ملکوت در آینده بود. بنابراین مطالعه عهد جدید این نکته را روشن می‌نماید، ملکوتی که مسیح مبلغ آن است از دوره‌های پیاپی تشکیل شده است. عیسی برای بیان این دوره‌های پیاپی از زبان تمثیلی بهره می‌گیرد. ضرب‌المثل‌های عیسی در اناجیل، داستان‌هایی هستند که اتفاقات روزمره را با یک جنبه حیات مذهبی به ویژه حیات در ملکوت مقایسه می‌کنند (وان وورست، ۱۳۸۴: ۸۵). زبان تمثیلی عیسی برای بیان دوره‌های پیاپی ملکوت بیش از همه به رشد ملکوت در گذر زمان اشاره دارد. زمان به یک معنا کامل گردیده و ملکوت اکنون برقرار است؛ وی در لوقا و متی به شاگردان خود می‌گوید:

خوشا به حال چشمانی که آن چه شما می‌بینید، می‌بینند؛ زیرا به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا آرزو داشتند آن چه شما می‌بینید، ببینند و ندیدند، و آن چه شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند (لوقا، ۱۰: ۲۳؛ متی، ۱۳: ۱۶-۱۷).

در این وجه تفسیری که مراد از ملکوت حیات طیبه در آخرالزمان است، آن چه بیش از همه در تکامل ملکوت مؤثر است، نقش فعال مؤمنان به مسیح در فرآیند تکامل است. عیسی از همه پیروانش می‌خواهد که با پیاده نمودن فعال اراده الهی و اشاعه انجیل مسیحیت حتی در دورترین نقاط کره زمین، در راه تکمیل این هدف الهی تلاش و دعا کنند (لوقا، ۱۲: ۳۲) مسیح در اولین دوره حیات زمینی‌اش جماعتی را تشکیل می‌دهد که آنان ملکوت را در برابر بشر قرار می‌دهند (متی، ۱۲: ۲۸؛ لوقا، ۱۷: ۲۱). او به جمع و تهذیب شاگردان پرداخت و اسرار ملکوت را برای آنان روشن کرد (متی، ۱۳: ۱۰-۱۷). مسیح می‌خواست که این هسته باقی بماند و پس از او رشد کند. وی خطوط کلی نظام آینده آنان را ترسیم و اشاره به شکنجه بعضی از آنان نمود (یوحنا، ۱۵: ۱۸). رسولان نیز رسالت را بعد از قیام مسیح برعهده گرفتند و با دستورهایی که مسیح به آنان فرمود، این گروه تشکیل دهنده کلیسای اولیه و مؤسسان ملکوت خدا بر روی زمین شدند (پرچم، ۱۳۸۷: ۳۶۵). پیروان مکتب انجیل عده‌ای که از دسته آزاداندیشان مسیحی بودند، مقصود از ملکوت خدا را اجتماعی می‌دانستند که در آن، همه در برادری و همکاری و عدالت با یکدیگر زیست می‌کنند. این جامعه ایده‌آل، جامعه‌ای است که خود انسان می‌تواند با کمک خدا بنا کند. متفکران انجیل اجتماعی به مسئله صلح و روابط نژادها علاقه مخصوصی نشان می‌دادند (هوردرن، ۱۳۶۸: ۷۳-۷۴).

نکته اصلی بحث از ملکوت در مسیحیت این است که اولاً ملکوت ناقص است. ثانیاً اجتماع

مؤمنان ملکوت را تصویرسازی می‌کند. البته در ناقص بودن ملکوت دقت شود، آن جا که ملکوت به معنای اجتماع مؤمنان است، ناقص می‌باشد؛ اما ملکوت به معنای معاد کامل است.

از سویی ملکوت در اناجیل با الوهیت عیسی گره خورده است. ملکوت در دست عیسی است؛ زیرا خود او خداست، و هر چه هست، به وسیله او آفریده شده است و چیزی نیست که او آن را نیافریده باشد (یوحنا، ۱: ۱-۳). مسیح صاحب ملکوت است، لذا کلید ملکوت و یا به عبارتی ولایت را به پطرس و حواریون می‌بخشد. در جای دیگر این اختیار شمول بیشتری یافته و این اقتدار به عموم مؤمنان تفویض گردیده است (متی، ۱۸: ۱۵-۲۰) و استنباط کلیسا این بود که در این باره اختیار به کلیسای عام داده شده است و مجمع «۱۸۶۹م» عصمت پاپ را مقرر داشت و حق تشریح به ریاست کلیسا رسید (رامیار، ۱۳۵۰: ش ۶: ۲۷۷).

در عهد جدید دو موضوع ملکوت خدا و پادشاهی یسوع، با هم ارتباطی وثیق دارند؛ زیرا مسیح پادشاه، همان پسر خداست. این جایگاه مسیح مراحل سه گانه پی در پی را شکل می‌دهد که مرحله اول حیات زمینی مسیح است، مرحله دوم آن زمان کلیسا و مرحله سوم دوره آخرالزمان است.

با توجه به ملکوت خدا در عهد جدید و ارتباطی که ملکوت با مسیح دارد و دعوت مسیح از مؤمنان برای ورود به ملکوت باید وارثان زمین در آخرالزمان را جماعت مؤمنانی دانست که با رجعت عیسی مسیح ملکوت را به تکامل رسانده‌اند. در اناجیل از همان آغاز دعوت مسیح مشخص می‌شود که شرکت در ملکوت خدا برای کسانی میسر است که متحول شده و به نیکی گرویده‌اند. در انجیل مرقس این نظریه به طور پراکنده در فصول مختلف بیان شده است. ولی در اناجیل متی و لوقا همه این اشارات در موعظه کوه خلاصه می‌گردد. در این فصل آمده است: خوشا به حال آنان که از فقر روحی خود در پیشگاه خدا آگاهند، که ملکوت آسمان از آنان است. خوشا به حال ماتم‌زدگان؛ زیرا ایشان تسلی خواهند یافت (متی، ۵: ۱۲-۵).

در این موعظه به وضوح شرایط ورود به ملکوت خداوند، اعمال نیک و صفات برجسته انسانی بیان می‌شود. افتادگی، فروتنی، پرهیز از زور و ستم، رحم و شفقت، پاکدلی، صلح‌جویی، عدالت‌خواهی، حق‌طلبی، مهم‌ترین و مشخص‌ترین خصیصه شهروند ملکوت خداست.

بنابراین شرط اصلی ورود به ملکوت خدا، همان روحیه فقر و کودکانه داشتن و تلاش

طاقت فرسا و سرسختانه در راه ملکوت و تحمل فشارها و رنج‌هاست و گناهکاران و بدکاران هرگز ملکوت خدا را به ارث نخواهند برد. در نامه به مسیحیان افسس آمده که:

این حقیقت مثل آفتاب روشن است دنیایی که خدا و مسیح در آن سلطنت می‌کنند، جای افراد بی‌عفت و طمعکار نیست، کسی که به مال و ناموس دیگران طمع دارد، بت‌پرست است، چون مال این دنیا را از خدا بیشتر دوست دارد و می‌پرستد (افسس، ۵: ۵).

خلاصه این که فاسقان و بت‌پرستان و زانیان و متنعمان و لواط‌کاران و دزدان و طمع‌کاران و می‌گساران و فحاشان و ستمگران و همه کسانی که مرتکب گناهان کبیره می‌شوند، وارث ملکوت خدا نخواهند شد (مفتاح، ۱۳۸۵).

بنابر آن چه بیان شد، از نگاه عهد جدید وارثان زمین در آخرالزمان که شکل دهنده ملکوت الهی هستند همان انسان‌های شایسته با فضایل اخلاقی هستند که وارثان نهایی زمین یا به عبارتی ملکوت می‌گردند. البته این انسان‌های شایسته در تلاش برای به تکامل رساندن ملکوت با انسان‌های فاسق و شریر دائماً در کشمکش و درگیری هستند تا به پیروزی رسند. این موضوع از زبان عیسی در اناجیل صریحاً بیان شده است:

وای به حال شما ای علمای دینی و فریسیان! چقدر ریاکارید! نه می‌گذارید دیگران به ملکوت خداوند وارد شوند و نه خود وارد می‌شوید (متی، ۲۳: ۱۳-۱۴).

### وارثان زمین در قرآن

سخن از وارثان نهایی زمان و خلافت الهی در زمین در آیات متعددی مطرح شده است. خداوند متعال در یک آیه مؤمنان را خطاب قرار داده و می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور: ۵۵).

و در آیه‌ای دیگر بشریت را به نجات امیدوار ساخته و این امیدواری را از متن ادیان دیگر نقل می‌نماید:

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵).

و در آیه‌ای دیگر پس از سخن از حضرت موسی که از مصادیق صلحاء است موضوع وراثت زمین را مطرح می‌نماید:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾  
(قصص: ۵).

بررسی آیاتی که سخن از وراثت زمین و حاکمیت در پایان تاریخ دارد، نشان می‌دهد این حاکمیت و وراثت از نگاه قرآن به صالحان می‌رسد. کلمه «صالح» و مشتقات آن بیش از صد مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است که شاخص‌ترین آیه در وصف پایان جهان و ارتباطش با صالحان، آیه شریفه: ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ (انبیاء: ۱۰۵) است. این آیه به صراحت تأیید می‌نماید همان‌گونه که در زبور هم بیان شده پایان جهان از آن صالحان و شایستگان است. به رغم گفت‌وگوهایی که میان مفسران در مفهوم زبور است به اعتقاد بیشتر مفسران مراد از آن کتاب داوود است (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ج ۳، ۱۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۴، ۳۲۹؛ حقی بروسوی، بی‌تا: ج ۵، ۵۲۸). زیرا در آیاتی دیگر نیز نام زبور بر کتاب داوود اطلاق شده است:

﴿إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَشْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا﴾  
(نساء: ۱۶۳).

برخی از مفسران بدون دلیل و مستندی واژه «ارض» را به معنای بهشت دانسته‌اند که تنها مستندشان آیه ۷۴ سوره زمر: ﴿وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ﴾ است که ارض در آن به معنای بهشت است. در نقد استناد به آیه ۳۹ زمر باید گفت: واژه ارض در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء ظهور در زمین این دنیا دارد که کاربرد لغوی و استعمال فراوان آن در قرآن در همین معنا گواه این ادعاست و انصراف آن به زمین بهشت به دلیل قانع‌کننده‌ای نیاز دارد؛ چنان که در قرآن تنها در یک مورد به زمین بهشت تفسیر شده است. البته برخی نیز مقصود از زمین را زمین مکه دانسته‌اند که با این تفسیر وعده مزبور در آیه محدود به صدر اسلام و فتح مکه می‌شود (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ج ۱۷، ۱۱۹) این معنا با اطلاق واژه ارض منافات داشته و بر این فرض استوار است که «ال» را عهد بگیریم اما هیچ اشاره‌ای در آیات پیشین به سرزمین مکه نشده است. افزون بر این وعده میراث بری زمین به عنوان یک بشارت به بندگان صالح در کتب آسمانی پیشین باید در یک مقیاس وسیعی باشد تا وعده بشارت بر آن صدق کند وگرنه تنها فتح مکه را هر چند نقطه عطفی در تاریخ اسلام بود نمی‌توان مصداق این بشارت بزرگ دانست؛ چنان که از باب تطبیق می‌تواند

یکی از مصادیق آن باشد.

اما از نگاه مفسران شیعه و برخی مفسران اهل سنت آیه به پایان تاریخ نظر داشته و در پایان، جامعه‌ای شایسته با حکومت سراسری و فراگیر به دست مؤمنان صالح را نوید می‌دهد (فخر رازی، بی‌تا: ج ۲۲، ۱۹۲؛ سمرقندی، بی‌تا: ج ۲، ۴۴۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ج ۹، ۹۸؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش: ج ۱۹، ۳۷۶-۳۷۴).

آن چه باید روشن گردد این موضوع است که صالحان چه کسانی هستند؟ «الصالحون» از ریشه صلح است که گاهی در مقابل فساد و گاهی در برابر گناه به کار می‌رود (راغب، ۱۴۱۲ق: ۴۸۹). برخی از مفسران از واژه «عبادی» که موصوف «الصالحون» است به دلیل نسبت یافتن آن با خدا مسئله ایمان و توحید را بارزترین ویژگی‌های بندگان صالح (زاممداران جامعه صالحان) شمرده و گفته‌اند:

صالحون معنای گسترده و پرشمولی دارد که همه شایستگی‌ها در حوزه رفتار، اندیشه و شناخت، قدرت، توانایی و مدیریت را در بر می‌گیرد. به بیان دیگر زمین از شرک و معصیت پیراسته شده و جامعه بشری صالح در آن سکونت خواهد گزید و ساکنان آن جز خدا را نپرستیده و ذره‌ای شرک نخواهند داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ج ۱۴، ۳۳۰؛ مکارم، ۱۳۷۴ش: ۵۱۷-۵۱۸).

از نگاه قرآن صالحان نیک‌گفتارترین «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت: ۳۳) و نیک‌کردارترین مردم‌اند «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا» (الکهف: ۳۰). گفتار و کردارشان یکی است «إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا وَانْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ» (شعراء: ۲۲۷). به دیگران ستم نمی‌کنند «قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالٍ نَعَجْتِكَ إِلَى نِعَاجِهِ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ» (ص: ۲۴). از ستم نمی‌هراسند «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا» (طه: ۱۱۲)، بهترین خلائق‌اند «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بینه: ۷).

قرآن کریم انبیای الهی را مصداق بارز و اکمل صالحان می‌داند. وی در وصف حضرت ابراهیم: «وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ» (بقره: ۱۳۰)، حضرت یحیی: «وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِيلَاسَ كُلِّ مِّن

الصَّالِحِينَ﴾ (انعام: ۸۵)، حضرت عیسی: ﴿وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾ (نور: ۳۲)، حضرت زکریا: ﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَىٰ وَعِيسَىٰ وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انعام: ۸۵)، حضرت الیاس: ﴿إِنَّ وَلِيَّ اللَّهِ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ﴾ (اعراف: ۱۹۶)، حضرت لوط: ﴿صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَةٌ نُوحٍ وَامْرَأَةٌ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ﴾ (تحریم: ۱۰) به صالح بودن آن‌ها اشاره می‌نماید. نکته جالب توجه در این بخش از آیات، این است که غالب مصادیق مذکور از انبیای الهی است. از این رو، این احتمال وجود دارد که صالح نه صرفاً برای وصف هر انسان نیک گفتار و نیک کردار، که برای منظوری ویژه‌تر از این، در قرآن به کار رفته باشد. این احتمال را آیاتی تقویت می‌کنند که به طور ضمنی دلالت بر این نکته دارند که صالحان گروهی اخص از تمامی کسانی‌اند که وارد بهشت می‌شوند (نساء: ۶۹). همچنین، عنوان «صالح المؤمنین» که در آیه ۴ سوره التحریم به کار رفته است، متضمن آن است که صالحان گروه خاص از مؤمنان‌اند و وصف صالح لزوماً بر همه مؤمنان اطلاق نمی‌شود؛ چرا که در این صورت، این ترکیب وصفی بی‌معنا خواهد بود.

از نگاه قرآن انسان‌های صالح به حکم عملی که دارند، وارد بهشت خواهند شد (بقره: ۸۲، ۲۵؛ نساء: ۵۷، ۱۲۲، ۱۲۴؛ اعراف: ۴۲؛ یونس: ۹؛ هود: ۲۳؛ ...). مشمول اجر و جزای الهی می‌شوند (بقره: ۶۲، ۲۷۷؛ نساء: ۱۷۳؛ آل عمران: ۵۷؛ کهف: ۲، ۳۰؛ ...). مورد مغفرت الهی قرار می‌گیرند (هود: ۱۱؛ الاسراء: ۹؛ کهف: ۲؛ حج: ۵۰؛ محمد: ۲؛ ...). ترس و نگرانی نخواهند داشت (بقره: ۶۲، ۲۷۷؛ مائده: ۶۹). زیان نخواهند دید (العصر: ۳). از ظلمت به نور، هدایت می‌شوند (طلاق: ۱۱). به لقای خداوند می‌رسند (کهف: ۱۱۰). خداوند آنها را اجابت می‌کند (شوری: ۲۶). خداوند فضل خود را بر آنها فزونی می‌بخشد (نساء: ۱۷۳؛ شوری: ۲۶).

آن چه در قرآن کریم مورد اهتمام است نقش انسان‌ها در برقراری حکومت جهانی است. اگر مردم مستضعف و مومن واقعی و منتظر بخواهند به وعده الهی برسند و از جهانی شدن حکومت عدالت‌محور بهره‌مند شوند، خود می‌بایست شرایطی را فراهم آورند تا حاکمیت یکتاپرستی به سرعت و به خواست و اراده مردم تحقق یابد (نور: ۵۵). از نظر قرآن هرچند که جهانی شدن، امری طبیعی است، ولی اراده ملت نیز نقش اساسی دارد و این همان است که خداوند از تغییر سرنوشت قوم و ملت‌ها براساس خواست مردم خبر می‌دهد (انفال: ۵۳). در



حکومت صالحان، امنیت اجتماعی و فراگیر امری است که خداوند بدان وعده داده است (نور: ۵۵). و چون زکات به کلی و درستی پرداخت می‌شود همگان از رفاه خوبی برخوردار می‌گردند (حج: ۴۱) و دین بر همه جهان سیطره و حاکمیت می‌یابد (نور: ۵۵) و عدالت از سوی مردم اجرا و برپا می‌گردد؛ زیرا عدالت هدف بعثت بوده است و در حکومت مردمی و جهانی انجام می‌شود (حدید: ۲۵).

### بررسی تطبیقی وارثان زمین در تورات، زبور، عهد جدید و قرآن

موعودگرایی و ظهور منجی آخرالزمان از اندیشه‌های مشترک ادیان ابراهیمی است که در آن بحث وارثان زمین و خلافت الهی در دوره آخرالزمان از اهمیت بسزایی برخوردار است. در تورات، وارثان زمین، قوم برگزیده هستند. قوم برگزیده در تورات یهودیان هستند که ذاتاً به حکم یهودی بودنشان از این موهبت الهی برخوردار شده‌اند. از ویژگی اساسی قوم برگزیده که وارثان نهایی در دوره آخرالزمان خواهند بود شریعت مداری است؛ زیرا نجات و موعودباوری بدون عمل به شریعت موسوی معنا ندارد. در واقع طرح اندیشه موعود و منجی یهودیان را به سمت شریعت سوق می‌دهد.

در زبور، وارثان زمین «صدیقین» هستند که در پایان جهان بر شریران «رشعیم» غلبه و فرمانروایی می‌کنند. صدیقان انسان‌هایی با فضایل اخلاقی هستند که در رابطه با خود، خدا و سایر انسان‌ها، اخلاق و ایمان، معیار رفتار و گفتار آن‌هاست. اینان نیز انسان‌هایی شریعتمدارند که ایمان و عمل صالح از اساسی‌ترین ویژگی‌های آن‌هاست. در زبور ویژگی‌های «صدیق» مفصل بیان و پاداش‌های دنیوی و اخروی متعددی برای آن‌ها ذکر شده که از مهمترین آن جانشینی و وراثت بر زمین است.

بنابراین در تورات و عهد عتیق قوم برگزیده وارث زمین است و معیار قوم برگزیده یهودی بودن است اما از منظر زبور معیار وارث بودن اصفای الهی است. از مزمور ۳: ۴ چنین به نظر می‌رسد که خداوند صدیق را برگزیده است.

در عهد جدید وارثان زمین انسان‌های وارسته‌ای هستند که با ایمان به مسیح و ایجاد تحول روحانی در خود وارد ملکوت الهی شده و به گسترش و رشد و تکامل ملکوت می‌انجامند. وارثان زمین در اناجیل نیز انسان‌هایی مؤمن و متقی هستند با فضایل اخلاقی و در پایان جهان، اجتماعی می‌سازند که در آن همه در برادری و همکاری و عدالت با یکدیگر زیست

می‌کنند. اما در عهد جدید مسئله وارثان زمین در دوره آخرالزمان در قالب بحث ملکوت الهی قابل فهم است. ملکوت در اناجیل، امری باطنی و روحانی است که با زبان تمثیل بیان شده و وجهه تبلیغی دارد. وجهه تبلیغی آن عبارت «وارد ملکوت خدا شوید» می‌باشد که افراد را جذب می‌نماید و ایمان به مسیح را شرط ورود به ملکوت خدا معرفی می‌کند. تبلیغات اناجیل پیرامون ملکوت خدا، از ابتدا با یک ملکوت ناقص رو به رشد شروع می‌شود. این فرایند از همان ابتدا در زمان مسیح شروع شده و با جهش‌های فکری - اجتماعی رو به تکامل است که زمان تکامل آن هم با رجعت مسیح و ظهور ثانوی مقارن است و قطعاً اجتماع مومنان هر عصری در تکامل بخشیدن بدان سهیم‌اند. نکته اصلی بحث از ملکوت در مسیحیت این است که اولاً ملکوت ناقص است. ثانیاً اجتماع مومنان ملکوت را تصویرسازی می‌کند. در اناجیل، ورود به ملکوت، تعطیلی احکام را در پی خواهد داشت. حضرت عیسی در پاسخ به کسانی که روزه نگرفتن شاگردان را بر او خرده می‌گرفتند، به این موضوع اشاره می‌فرماید که وعده الهی تحقق یافته و ملکوت خداوند برقرار شده؛ لذا نیازی به انجام احکام نیست (مرقس، ۲: ۱۸-۲۲؛ لوقا، ۵: ۳۳-۳۹).

ملکوت در اناجیل با الوهیت عیسی گره خورده است. ملکوت در دست عیسی است؛ زیرا خود او خداست، و هر چه هست، به وسیله او آفریده شده است و چیزی نیست که او آن را نیافریده باشد (یوحنا، ۱: ۱-۳). مسیح صاحب ملکوت است. در عهد جدید دو موضوع ملکوت خدا و پادشاهی یسوع، با هم ارتباطی وثیق دارند؛ زیرا مسیح پادشاه، همان پسر خداست. این جایگاه مسیح مراحل سه گانه پی در پی را شکل می‌دهد که مرحله اول حیات زمینی مسیح است، مرحله دوم آن زمان کلیسا و مرحله سوم دوره آخرالزمان است. در مسیر رشد، ملکوت چون دیگر پدیده‌های جهان با موانع و مشکلاتی روبه‌روست. گروهی می‌خواهند از رشد و انتشاری که وعده داده شده ممانعت کنند؛ لذا ملکوت پیوسته در گرو جهادی سخت است. متی این واقعه را این‌گونه بیان می‌کند:

از وقتی که عیسی به موعظه کردن و غسل تعمید دادن شروع کرده تا به حال، مردم با ملکوت خداوندی مخالفت می‌کنند و می‌خواهند به زور بازوی خود آن را برقرار نمایند (متی، ۱۱: ۱۲).

در قرآن کریم وارثان زمین صالحان هستند که در اوج فضایل اخلاقی و رفتاری قرار دارند. مفهوم صالح به عنوان وارثان زمین در دوره آخرالزمان در قرآن با بیان مصداق‌ها به خوبی

روشن شده است. قرآن مصادیق صالح را انبیاء الهی چون عیسی، موسی، زکریا، یحیی و... می‌داند که این مسئله بیان می‌نماید صالح نه صرفاً برای وصف هر انسان نیک گفتار و نیک کردار، که برای منظوری ویژه‌تر از این، در قرآن به کار رفته باشد. این احتمال را آیاتی تقویت می‌کنند که به طور ضمنی دلالت بر این نکته دارند که صالحان گروهی اخص از تمامی کسانی‌اند که وارد بهشت می‌شوند.

صالح بودن از منظر قرآن کریم مانند صدیق در زبور داوود یک موهبت یا به عبارتی اصطفا‌ی الهی است که تنها به برخی از شایستگان عطا می‌گردد: ﴿فَأَجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (قلم: ۵۰).

بنابر آن چه بیان شد در یک بررسی تحلیلی تطبیقی می‌توان گفت، اندیشه وارثان زمین در تورات اندیشه‌ای متفاوت از دیگر ادیان است؛ زیرا وارثان زمین یهودیان هستند که به حکم یهودی بودن شان قوم برگزیده هستند و همین موهبت الهی سبب شده اینان خود را وارث زمین و خلافت الهی بدانند. آن چه در برتری قوم برگزیده مهم است پایبندی به شریعت است. مسئله وارثان زمین در زبور که صدیقان هستند بیشترین شباهت را با صالحان که از منظر قرآن وارث زمین هستند، دارد. در هر دو دین وارثان زمین انسان‌های شایسته‌ای هستند که به حکم شایستگی و صلاحیتی که دارند، وارث زمین می‌گردند.

اما در عهد جدید موضوع وارثان در قالبی دیگر بیان می‌گردد و آن اندیشه ملکوت الهی است که مؤمنان به عیسی در این ملکوت نقش ویژه‌ای را ایفا می‌نمایند. در مسیحیت ورود به عالم ملکوت به منظور تکامل ملکوت که مختص ایمان‌داران به مسیح است، تعطیلی احکام و شرایع را در بر خواهد داشت.

آن چه در همه ادیان مشترک است وجود گروه مخالف است که در تمام ادیان‌ها به چشم می‌خورد و جبهه صالحین و شایستگان در تعارض و مقابله جدی با آن‌هاست تا پایان جهان که شایستگان و نیکان بر شریران و بدکاران غلبه و جهان در صلح و صفا فرو خواهد رفت.

### تحلیلی بر کارکردهای بحث وارثان زمین در ادیان‌های ابراهیمی

چنان‌که بیان شد همه ادیان به موضوع وراثت زمین در پایان جهان به دست شایستگان و نیکان اعتقاد دارند و بر این باورند که خداوند با لطف خود شایستگان و نیکان را بر جهان حاکمیت می‌بخشد. این موضوع از چند جهت قابل بحث و بررسی است؛ از جمله کارکردهایی

که این بحث در جامعه می‌تواند داشته باشد خود از اهمیت بسزایی برخوردار است که نوشتاری جدا را می‌طلبد. هرچند موضوع پژوهش بیان کارکرد بحث وراثت زمین در دوره آخرالزمان نیست؛ اما به فراخور تحقیق که بررسی تطبیقی بود برخی از مهم‌ترین کارکردهای مشترک به خوبی قابل لمس است که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود.

**الف) امیدبخشی:** امید از مؤلفه‌های ضروری برای زندگی بشر است؛ زیرا امید انسان را در عرصه‌های زندگی نیرومند و قادر می‌سازد تا بر سختی‌ها و ناملایمات فائق آید. در مقابل، ناامیدی و یأس از آینده، اختلالات روحی - روانی را در ضمیر انسان باعث می‌گردد و عوامل مخرب زندگی خسته‌کننده و ملال‌آوری را برای بشر فراهم می‌کند. ادیان با معرفی گزاره‌های امیدآفرین، توجه پیروان خود را به آینده معطوف کرده و درصدد برچیده شدن یأس و ناامیدی از بستر جامعه خود می‌باشند. در عهد عتیق و جدید و قرآن کریم آن‌چه از پایان جهان و وراثت جهان بیان شده همه مسرت بخش و امیدآفرین است.

**ب) شریعت‌گرایی:** در همه ادیان الهی به استثنای عهد جدید، وارث زمین بودن مستلزم شریعت‌گرایی است. این امر از خلال بررسی ویژگی‌های صدیقین در زبور، صالحان در قرآن و قوم برگزیده در یهود به خوبی مشهود است. اصولاً پایبندی به شریعت است که سبب رشد فضایل اخلاقی و رفتاری شده و فرد را از برگزیدگان می‌گرداند.

**ج) تقوای الهی معیار وارث بودن:** در تورات قوم برگزیده که یهود هستند به سعادت می‌رسند و این مسئله به معنای قوم‌گرایی است که با سایر ادیان‌های ابراهیمی در تناقض است. در سایر ادیان صالح یا صدیق بودن منحصر در گروه خاصی نیست بلکه هر انسانی که فضائل اخلاقی را در خود پرورش دهد می‌تواند در زمره صدیقین یا صالحان قرار گیرد و این وراثت با اصطافای الهی انجام می‌گیرد.

### نتیجه‌گیری

ادیان ابراهیمی به حکومت صالحان و شایستگان در پایان جهان گواهی داده‌اند. قرآن کریم نیز حکومت صالحان را تنها از آموزه‌های خود ندانسته بلکه آن را از بشارات و آیات حضرت داوود می‌داند. با توجه به اوصاف زبور، انسان‌ها به دو گروه «صدیق» و «رشع» تقسیم می‌شوند و وارثان برحق زمین در پایان جهان، انسان‌های صدیق هستند که انسان‌های خبیث و شرور توسط ایشان از بین خواهند رفت. در قرآن کریم آیات متعددی در اوصاف

وارثان، و خلافت الهی در زمین مطرح گردیده است و این که حاکمیت در پایان تاریخ به صالحان می‌رسد. از نگاه عهد جدید وارثان زمین در آخرالزمان که شکل دهنده ملکوت الهی هستند، همان انسان‌های شایسته با فضایل اخلاقی هستند که وارثان نهایی زمین یا به عبارتی ملکوت می‌گردند. البته این انسان‌های شایسته در تلاش برای به تکامل رساندن ملکوت با انسان‌های فاسق و شریر دائماً در کشمکش و درگیری هستند تا به پیروزی برسند. این موضوع از زبان عیسی در اناجیل صریحاً بیان شده است. در آثار دینی یهود، تورات و دیگر کتاب‌های انبیای آنها و سایر منابع ایشان، وارثان زمین، قوم برگزیده هستند. قوم برگزیده در تورات، یهودیان هستند که ذاتاً به حکم یهودی بودن‌شان از این موهبت الهی برخوردار شده‌اند. از ویژگی اساسی قوم برگزیده که وارثان نهایی در دوره آخرالزمان خواهند بود، شریعت مداری است؛ زیرا نجات و موعودباوری بدون عمل به شریعت موسوی معنا ندارد. حال آن‌چه در همه ادیان مشترک است وجود گروه مخالف است که در تمام ادیان‌ها به چشم می‌خورد و جبهه صالحین و شایستگان در تعارض و مقابله جدی با آن‌هاست اما در نهایت با پیروزی انسان‌های صالح و شایسته ملکوت الهی که همان جامعه آرمانی است برقرار می‌شود.

## منابع

- قرآن کریم  
کتاب مقدس
۱. هیوم، رابرت، *ادیان زنده جهان*، ترجمه دکتر عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام، ۱۳۸۵.
- آشتیانی، جلال‌الدین، *تحقیقی در دین مسیح*، تهران: نگارش، ۱۳۶۸.
- آلوسی، سید محمود، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- برتلمائوس، ب. مالک، *مخطوطات البحر المیت*، بی‌نا: بی‌جا، بی‌تا.
- پرچم، اعظم، *بررسی تطبیقی مسائل وحی و نبوت از دیدگاه قرآن و عهدین*، اصفهان: کنکاش، ۱۳۸۷.
- \_\_\_\_\_، *بررسی و مطالعه گفتمان‌های تورات و انجیل و قرآن در معجزه پیامبران*، مجله الهیات تطبیقی، سال اول، شماره اول، ۱۳۸۹.
- جمعی از علماء، *قاموس الكتاب المقدس*، قاهره: دارالثقافة، بی‌تا.
- حقی بروسوی، اسماعیل، *تفسیر روح البیان*، بیروت: دارالفکر، بی‌تا.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، تصحیح صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم، ۱۴۱۲ق.
- رامیار، محمود، *نبوت اسرائیلی و مسیحی*، مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ش ۲-۶، ۱۳۵۰.
- رضایی، عبدالعظیم، *تاریخ ادیان جهان*، تهران: انتشارات علمی، دوم، ۱۳۸۰.
- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*، بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، *درس‌نامه ادیان ابراهیمی*، قم، کتاب طه، ۱۳۸۶.
- سمرقندی، نصر بن محمد بن احمد، *بحر العلوم*، بی‌نا، بی‌جا، بی‌تا.
- صادقی تهرانی، *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، دوم، ۱۳۶۵ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

- فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- مفتاح، احمد رضا، *مفهوم آمرزیدگی از راه ایمان*، فصل نامه هفت آسمان، شماره ۳۰، ۱۳۸۵.
- مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از همکاران، *تفسیر نمونه*، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.
- موحدیان عطار، علی، *گونه شناسی اندیشه موعود در ادیان مختلف*، فصل نامه هفت آسمان، شماره ۱۲-۱۳، ۱۳۸۰.
- وان وورست، رابرت ای، *مسیحیت از لابه لای متون*، ترجمه جواد باغبانی و عباس رسول زاده، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، ۱۳۸۴.
- هوردرن، ویلیام، *راهنمای الهیات پروتستان*، مترجم طاطه وس میکایلیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، اول، ۱۳۶۸.
- Cohn-Sherbok, Dan, (1996), *Medieval Jewish philosophy: an introduction*, Curzon.
- Berkhof, Louis, *Summary of Christian Doctrine*, Wm.B.Eerdmans Publishing co. 1938.

